

Socio Cultural Factors Affecting Remarriage in the City of Karaj

ALI REZ KALDI,¹ MAHNAZ ABEDI,²
TAHREH FARAGOLAHZADEH³

Introduction:

Family is an institution by which man and woman come together. But this convention may fail because of death or divorce. This separation creates many problems for both sides, and even for children. If remarriage happens, it makes changes in people's life condition.

Objective: This research was conducted to evaluate socio-cultural factors affecting remarriage, and obstacles of remarriage for men and women have been taken into consideration.

Methods: In this survey research, data was collected by questionnaire. The subjects were 265 individuals including 190 divorced and widowed women and men, and 75 remarried persons in the city of Karaj at the time of research.

Results: The results show that there is relationship between marital status of women and men (divorced and widowed) and remarriage, which is significant ($X^2=35.49$, $df=12$, $p=0.000$). It also shows that the relationship between gender and remarriage.

Conclusion: The findings of this research indicate that men remarry because of loneliness and having family, while women remarry because of solving social and financial problems.

Key Words: Remarriage, Gender, Family, Socio-Cultural Factors.

1 - Professor University of Social Welfare
and Rehabilitation Sciences

2 - (MA) Social Sciences

3 - Social workr University of Social Welfare
and Rehabilitation Sciences

عوامل و موانع فرهنگی اجتماعی

ازدواج مجدد افراد همسر از دست داده

علیرضا کلدی^۱، مهناز عابدی^۲، طاهره فرج اله زاده^۳

چکیده

خانواده نهادی است که از طریق آن مرد و زن با هم پیمان زناشویی می بندند. اما این پیوند ممکن است به دلایلی منجر به شکست شده و یا فوت یکی از زوجین باعث از هم گسیختگی خانواده گردد. جدایی زن و مرد از یکدیگر، مشکلات زیادی را بر سر راه فرد طلاق گرفته و یا همسر از دست داده قرار می دهد. چنانچه زندگی زناشویی جدیدی آغاز گردد، تا حدودی شرایط زندگی افراد یاد شده، تغییر خواهد کرد.

هدف: هدف این پژوهش شناخت ویژگی های زنان و مردانی که بعد از طلاق و فوت همسر، اقدام به ازدواج مجدد کرده و یا از ازدواج مجدد احتراز نموده اند. شناخت فراوانی ازدواج مجدد، عوامل و موانع اجتماعی - فرهنگی موثر بر آن و چالش ها و چشم اندازهای ازدواج مجدد مورد توجه بوده است.

روش: در این پژوهش که به صورت پیمایشی انجام شده از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است، از جامعه مورد نظر ۲۶۵ نفر شامل ۱۹۰ زن و مرد بی همسر بر اثر طلاق و فوت و ۷۵ نفر از افرادی که پس از فوت یا طلاق همسر ازدواج مجدد داشته اند؛ به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند.

نتایج: یافته های این پژوهش بیانگر آن است که بخش وسیعی از زنان یاد شده که جوان می باشند، تا پایان عمر، بدون همسر باقی می مانند که این امر می تواند تبعات فردی و اجتماعی بر جای بگذارد. با توجه به اینکه زنان نیمی از افراد جامعه را تشکیل می دهند و بعنوان مادر و اولین مربی، تربیت نسل را بعهده دارند، توجه به سلامت جسمی، روانی و اجتماعی آنان، موجب سلامت نسل و جامعه خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری: از این پژوهش نتیجه گرفته می شود که نرخ شش برابری زنان مجرد بر اثر فوت همسر نسبت به مردان، و نرخ برابری زنان مجرد بر اثر طلاق نسبت به مردان، حقیقت تلخ تنهایی جمعیت کثیری از زنان را نمایان می کند. این تنهایی بدنبال خود آسیب های عمیق فردی، اجتماعی، اقتصادی و نیز آثار و تبعات تجرد را نیز به همراه دارد.

واژگان کلیدی: ازدواج مجدد، جنسیت، عوامل فرهنگی - اجتماعی، خانواده.

۱- دکترای جامعه شناسی استادعضو هیات علمی (نویسنده اصلی)

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

۲- کارشناس ارشد علوم اجتماعی

۳- مددکار اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

غربی به ازدواج مجدد اقدام می کنند، که علت آن را می بایست در عوامل فرهنگی و اجتماعی جستجو کرد. این مقایسه، مویب وجود فرصتهای کمتر زنان نسبت به مردان در خصوص ازدواج مجدد در ایران می باشد.

مطالعه و بررسی ازدواج مجدد جز در بستر فرهنگ و اجتماع میسر نمی باشد، برای شناخت عوامل و موانع فرهنگی - اجتماعی ازدواج مجدد باید به ساختار اجتماعی هر جامعه که متأثر از فرهنگ آن جامعه است، توجه نمود. در این زمینه به اصل اولویت کل نسبت به جزء آگوست کنت، دومین قاعده دورکیم در جامعه شناسی اثباتی، تئوری وجدان جمعی دورکیم، نظریه برخورد در اماتیک فرهنگ و طبیعت کلودلوی اشتروس و نظریه کنش متقابل اجتماعی پارسنز می توان اشاره نمود.

بر حسب نظر کنت که از جامعه شناسان اثبات گراست، «ممکن نیست که پدیده اجتماعی خاص جز در متن اجتماع کلیتری که به آن تعلق دارد، درک و تبیین شود. چنانچه در زیست شناسی نیز تبیین یک اندام و کارکردهای آن، بدون در نظر گرفتن رابطه آن با کل، امکان پذیر نیست [۲۲].»

یکی از عواملی که موجبات احتراز از ازدواج مجدد پس از دست دادن همسر می شود یا اقدام به آن را سبب می گردد، نگرش جامعه نسبت به آن است. در جوامع غربی، طلاق و جدایی و تشکیل مجدد زندگی زناشویی امری طبیعی و عادی تلقی می گردد. در صدر اسلام نیز، ازدواج مجدد فرد همسر از دست داده یا طلاق گرفته امری عادی انگاشته می شد. اگر زنی همسرش را از دست می داد، پس از سپری شدن ایام عده به ازدواج مردی دیگر درمی آمد. ازدواج مجدد مورد تمایل انسانها

ادبیات کشورمان که برگرفته از واقعتهای اجتماعی است، موانع و عوامل احتراز زنان از ازدواج مجدد و همچنین دلایل اقبال بدان را، بصورتهای مختلفی به تصویر کشیده است.

در ایران آماری از ازدواج مجدد مردان و زنان در دست نیست. اما با مقایسه سایر داده های آماری می توان همان تفاوت های جنسیتی در غرب را در مورد زنان و مردان ایرانی نیز بدست آورد. سالنامه ی آماری کشور در داده های آماری خود که براساس ۱۰٪ نمونه در آبان ماه ۱۳۷۵ انجام گرفته است، تعداد مردان بی همسر در اثر طلاق را، ۵۵۹۷۷ نفر و تعداد زنان مشابه را ۱۱۰۸۵۰ نفر گزارش نموده است. همچنین تعداد مردان بی همسر در اثر فوت ۲۳۳/۳۰۶ نفر و تعداد زنان مشابه را ۱/۳۴۴/۶۲۲ نفر ذکر نموده است [۲۱].

در بحث آمار ازدواج مجدد در ایران، به ازای هر دو زن بی همسر بر اثر طلاق، یک مرد مشابه وجود دارد و به ازای هر ۶ زن بی همسر بر اثر فوت نیز یک مرد مشابه وجود دارد. این امر بیانگر آن است که زنان بیش از مردان پس از فوت و طلاق، تجرد اختیار می کنند.

به خصوص زنانی که در اثر فوت بی همسر می شوند، در غرب ۷۵ درصد زنان و ۸۳ درصد مردانی که طلاق گرفته اند، ظرف سه سال ازدواج مجدد می کنند [۱]. این در حالی است که در ایران ۸۹ درصد مردان طلاق گرفته و ۵۰ درصد زنان مطلقه امکان ازدواج مجدد برایشان وجود داشته است [۸]. مقایسه فوق نشان می دهد که مردان طلاق گرفته در ایران، ۶ درصد نسبت به مردان طلاق گرفته در غرب بیشتر به ازدواج مجدد روی می آورند. اما زنان مطلقه ایران، ۲۵ درصد کمتر از زنان

دو گروه فوق، هر کدام به ۴ گروه به شرح ذیل تقسیم می شود: مردان بی همسر بر اثر فوت، زنان بی همسر بر اثر فوت، مردان بی همسر بر اثر طلاق، زنان بی همسر بر اثر طلاق، مردان ازدواج مجدد کرده پس از فوت همسر، زنانی که پس از فوت شوهر ازدواج مجدد نموده اند، مردان ازدواج مجدد کرده پس از طلاق و زنانی که پس از طلاق ازدواج مجدد نموده اند.

به جهت خاص بودن نمونه و عدم دسترسی آسان به آن، جمع آوری نمونه بصورت تصادفی و با مراجعه حضوری به منازل، ادارات، مراکز آموزشی و تجاری انجام گرفت.

ابزار پژوهش: ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بسته محقق ساخته حاوی ۲۶ سوال، ۲۵ سوال بسته و یک سوال باز، بانحوه اجرای مستقیم بوده است. روایی پرسشنامه نیز مورد سنجش قرار گرفت و آلفای کراباخ محاسبه شده برابر ۰/۸۱ می باشد. ضمناً از فنون تکمیلی همچون مطالعات کتابخانه ای و اسنادی و استخراج مقالات و تحقیقات صورت گرفته و فیلمهای ساخته شده در حوزه بررسی های اعتقادی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی ازدواج مجدد... و بررسی آماری مدد گرفته شده است.

این بررسی با هدف شناخت تفاوت های جنسیتی ازدواج مجدد و عوامل فرهنگی، اجتماعی موثر بر آن انجام گرفته است و متغیرهای سن، تحصیلات، اشتغال، منزلت شغلی، میزان درآمد، تعداد ازدواجها، سن ازدواج اول، مدت زندگی با همسر اول، تعداد فرزندان ازدواج اول، نحوه زندگی فرزندان ازدواج اول، اختلاف سنی با همسر فعلی، علت اقدام به ازدواج مجدد، علت خود داری از ازدواج مجدد، رضایت از زندگی فعلی، تاثیر زندگی قبلی بر فعلی و تجربه روابط

است، در حالیکه موانع فرهنگی-اجتماعی مانع تحقق عملی آن است.

روش

در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری را زنان و مردانی که بر اثر طلاق و فوت همسر مجرد هستند و هم آنها که پس از طلاق و فوت همسر ازدواج مجدد نموده اند تشکیل می دهند.

محدودیت سنی برای زنان و مردان یاد شده، مدنظر نبوده است. و زنان و مردانی مدنظر بوده اند که یکسال و بیشتر از مجرد آنها در اثر طلاق و فوت همسر می گذرد. در نتیجه زنان و مردان مجردی که کمتر از یکسال از حادثه طلاق و فوت همسرشان می گذشته است، در این بررسی لحاظ نشده اند. اما کسانی که کمتر از یکسال پس از حادثه فوت و طلاق ازدواج مجدد نموده اند، در جامعه آماری این پژوهش، مدنظر قرار گرفته اند.

حوزه آماری این تحقیق را تنها ساکنین شهر کرج در بر می گیرند.

روش نمونه گیری: روش نمونه گیری، ابتدا با مراجعه به سالنامه آماری ۸۲ درصد جامعه آماری به تفکیک زنان و مردان بی همسر بر اثر طلاق و فوت استخراج گردید و تعداد آن به نسبت کل جمعیت کرج محاسبه و مشخص شد. سپس بر اساس فرمول کوکران تعداد نمونه ۲۶۵ نفر محاسبه گردید. اما از آنجا که تعداد زنان و مردانی که اقدام به ازدواج مجدد نموده اند در هیچ گزارش آماری ثبت و اعلام نشده بود، به تخمین تعدادی از نمونه آماری به اینگونه زنان و مردان اختصاص داده شد و لذا دو گروه به شرح ذیل در نمونه آماری لحاظ گردید: الف- مردان و زنان بی همسر بر اثر طلاق و فوت، ب- مردان و زنانی که پس از طلاق و فوت همسر اقدام به ازدواج مجدد نموده اند.

جدول ۱- ارتباط وضعیت تأهل و سن ازدواج مجدد زنان

سن ازدواج مجدد	۵۵	۵۰	۴۵	۴۰	۳۵	۳۰	۲۵	۲۰	۱۶	۲۱	۲۶	۳۱	۳۶	۴۱	۴۶	۵۱	۵۶ و کل
وضعیت تأهل	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
بی همسر بر اثر فوت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بی همسر بر اثر طلاق	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ازدواج مجدد پس از فوت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ازدواج مجدد پس از طلاق	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۳۷	۱	۲	۳	۳	۸	۵	۱۴	۰	۱	۰	۱۴	۰	۱	۰	۰	۳۷

$$X^2 = 21/787df = 24 \text{ sig } 000/412$$

میانگین سن ازدواج مجدد برای مردان بطور کلی ۳۶ تا ۴۰ سالگی و برای زنان ۲۶ تا ۳۰ سالگی می باشد. زنان بیسوه در سنین ۴۰ سال و پایین تر ازدواج مجدد دارند ولی مردان بیسوه تنها سنین ۶۰ و بیشتر نیز ازدواج مجدد دارند. بین سن ازدواج مجدد زنان و مردان وضعیت تأهل آنان ارتباط معنادار وجود ندارد. میانگین تعداد فرزندان در زنان بیسوه و مطلقه ای که ازدواج مجدد می کنند یک فرزند است میانگین مردان هر دو گروه یک فرزند می باشد. بین مردان و زنان در تعداد فرزندان ازدواج مجدد تفاوتی به چشم نمی خورد. میانگین گروه زنان و مردان یک فرزند می باشد.

فرازشوئی در آن لحاظ شده است. تجزیه و تحلیل داده های این بررسی در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار Spss تحت برنامه Excel صورت گرفته است.

در سطح توصیفی با استفاده از مشخصه های آماری به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته و در سطح استنباطی از آزمون X^2 بهره گرفته شده است. قلمرو موضوعی تحت پوشش این بررسی عبارت است از زندگی قبلی و فعلی زنان و مردان بی همسر بر اثر طلاق و فوت و زنان و مردانی که ازدواج مجدد کرده اند. همچنین تاثیر عوامل مختلف بر احتراز یا اقدام آنها نسبت به ازدواج مجدد، رضایت فردی و ارتباطات فرا زناشویی می باشد.

جدول ۱- ارتباط وضعیت تأهل و سن ازدواج مجدد مردان

سن ازدواج مجدد زیر	۴۶	۴۵	۴۰	۳۵	۳۰	۲۵	۲۰	۱۵	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
وضعیت تأهل	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بی همسر بر اثر فوت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بی همسر بر اثر طلاق	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ازدواج مجدد پس از فوت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ازدواج مجدد پس از طلاق	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۲۹	۰	۲	۲	۳	۱۱	۸	۴	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

$$X^2 = 16/654df = 21 \text{ sig } = 000/863$$

بین تجرد در اثر فوت و طلاق و اعتقاد به روابط فرازنشویی رابطه معنادار وجود دارد. ۲۹ درصد افراد مجرد در اثر فوت و طلاق به داشتن این روابط معتقدند که ۲۱/۵ درصد آنها را، افراد بی همسر بر اثر طلاق تشکیل می دهند. بدین ترتیب ارتباط معناداری میان وضعیت تأهل و اعتقاد به روابط فرازنشویی و همچنین تجرد در اثر فوت و طلاق و اعتقاد به روابط فرازنشویی وجود دارد.

جدول ۴- ارتباط بین ارزیابی تأثیر زندگی قبلی بر فعلی و وضعیت تأهل پاسخگویان

جمع	بدون تأثیر	مثبت منفی	تأثیر در زندگی فعلی	تأثیر در زندگی قبلی
۸۴	۰	۳۰	۲۷	۲۷
۸۰	۱	۱۵	۵۱	۱۳
۳۵	۰	۱۵	۱۴	۶
۵۲	۱	۲۵	۱۱	۱۵
۲۵۱	۲	۸۵	۱۰۳	۶۱

$$X^2 = ۳۵/۴۹df = ۹sig = ۰/۰۰۰$$

جدول شماره ۴ نشان می دهد که ۳۴ درصد پاسخگویان تأثیر زندگی قبلی بر فعلی را بدون تأثیر، ۴۱ درصد منفی و ۲۴ درصد آن را مثبت ارزیابی نموده اند. یعنی اکثر پاسخگویان این تأثیر را منفی ارزیابی کرده اند. بین ارزیابی از تأثیر زندگی قبلی بر فعلی و وضعیت تأهل پاسخگویان ارتباط معنادار وجود دارد.

جدول ۲- ارتباط بین اعتقاد به روابط فرازنشویی و وضعیت تأهل پاسخگویان

جمع	خیر	بلی	اعتقاد به روابط فرازنشویی	وضعیت تأهل
۸۵	۷۳	۱۲	بی همسر بر اثر فوت	
۷۸	۴۳	۳۵	بی همسر بر اثر طلاق	
۳۴	۲۴	۱۰	ازدواج مجدد پس از فوت	
۵۵	۳۳	۲۲	ازدواج مجدد پس از طلاق	
۲۵۲	۱۷۳	۷۹	جمع	

$$X^2 = ۲۰/۷۴df = ۳sig = ۰/۰۰۰$$

جدول شماره ۲ بیانگر وجود ارتباط میان وضعیت تأهل و اعتقاد به روابط فرازنشویی است بیشترین فراوانی اعتقاد به روابط فرازنشویی در میان افراد بی همسر بر اثر طلاق است، و بیشترین فراوانی عدم اعتقاد به روابط فرازنشویی مربوط به افراد بی همسر بر اثر فوت می باشد. ۳۰ درصد افراد نمونه به روابط فرازنشویی معتقدند.

جدول ۳- ارتباط بین تجرد در اثر فوت و طلاق و اعتقاد به روابط فرازنشویی

جمع	خیر	بلی	اعتقاد به روابط فرازنشویی	وضعیت تأهل
۸۵	۷۳	۱۲	بی همسر بر اثر فوت	
۷۸	۴۳	۳۵	بی همسر بر اثر طلاق	
۱۶۳	۱۱۶	۴۷	جمع	

$$X^2 = ۱۸/۷۴df = ۱sig = ۰۰۰/۰۰۰$$

ازدواج، عنوان نموده اند. ۱۳ درصد زنان بیوه و ۱۰ درصد زنان مطلقه مخالفت فرزندان را یکی از علل خودداری از ازدواج ذکر کرده اند. ۳ درصد زنان بیوه و ۱۹ درصد زنان مطلقه، مخالفت خانواده را از موانع ازدواج مجدد ذکر کرده اند.

۱۳ درصد زنان بیوه و ۱۵ درصد زنان مطلقه، بخاطر از دست ندادن حضانت فرزندانشان از ازدواج مجدد، سر باز زده اند. ۱۸ درصد زنان بیوه و ۶ درصد زنان مطلقه بخاطر از دست ندادن حقوق همسر (نفقه) از ازدواج مجدد احتراز کرده اند. ۱۴ درصد زنان بیوه و ۱۲ درصد زنان مطلقه، بجهت سن و سال بالا و نداشتن خواستگار از ازدواج مجدد سر باز زده اند.

پرفراوانی ترین دلایل احتراز از ازدواج مجدد بین مردان و زنان بی همسر بر اثر فوت و مردان و زنان بی همسر بر اثر طلاق، یکی است.

۲۴/۵ درصد زنان بی همسر بخاطر مخالفت خانواده، فرزندان و خانواده همسر ازدواج نکرده اند، اما ۱۳ درصد مردان در معرض این مخالفت بوده اند. ۱۳ درصد زنان بی همسر سن بالا و نداشتن خواستگار را موانع ازدواج دانسته اند، در صورتی که این عوامل دلیل احتراز هیچیک از مردان نبوده است.

بطور کلی ۴۸ درصد از افراد بی همسر بر اثر فوت و طلاق ارزیابی منفی از تأثیر زندگی قبلی بر فعلی دارند.

۷۶ درصد زنان بی همسر بر اثر فوت، علت احتراز خود از ازدواج مجدد را، وجود فرزندان عنوان نموده اند. در صورتی که ۶۰ درصد زنان مطلقه علت خودداری از ازدواج را، تجربه تلخ دوستان و آشنایان از ازدواج مجدد و در واقع ترس از شکست مجدد، ذکر نموده اند.

سه علت پرتعداد جهت احتراز زنان بیوه از ازدواج مجدد عبارتند از: وجود فرزندان (۷۶ درصد) نگهداشتن یاد و خاطره همسر (۴۳ درصد) و داشتن داماد و عروس (۲۴ درصد) و این علل برای زنان مطلقه به ترتیب عبارتند از: تجربه تلخ دوستان و آشنایان از ازدواج مجدد و ترس از شکست مجدد (۶۰ درصد)، وجود فرزندان (۵۰ درصد)، آزادی از قید همسر و از دست ندادن این آزادی (۲۹ درصد) و داشتن درآمد و تأمین بودن از نظر مالی (۲۹ درصد).

۳۷ درصد زنان مطلقه، سایر موارد را علت احتراز خود مطرح نموده اند که غالباً تجربه تلخ زندگی گذشته آنها بوده است.

۴۰ درصد مردان بی همسر بر اثر فوت، وجود فرزندان و نگهداشتن یاد و خاطره همسر را علت احتراز از ازدواج مجدد ذکر نموده اند. در حالیکه ۵۲ درصد مردان بی همسر بر اثر طلاق، تجربه تلخ دوستان و آشنایان از ازدواج مجدد و ترس از شکست مجدد را عنوان کرده اند. ۴۵ درصد مردان مطلق سایر موارد را برای احتراز از ازدواج خود ذکر نموده اند که غالباً تجربه تلخ زندگی گذشته آنها بوده است.

۱۹ درصد زنان بیوه و ۳۳ درصد زنان مطلقه، مخالفت فرزندان، خانواده و خانواده همسر را از عوامل احتراز از

بحث و نتیجه گیری

از هم گسیختگی خانواده ها در اثر فوت و طلاق، واقعیتی اجتماعی است. گاه پیامدهای ناشی از این از هم پاشیدگی با ازدواج مجدد موفق، پایان می گیرد و گاه نیز موانعی بر سر راه افراد بی همسر قرار می گیرد، که شانس تجربه زندگی دیگری را از آنها می گیرد.

یافته ها نشان می دهد که بین جنسیت و وضعیت تأهل تفاوت معناداری وجود دارد، و این امر بیانگر جنسیتی بودن ازدواج مجدد است. همچنین عوامل فرهنگی نظیر سن، تحصیلات، مدت زندگی با همسر اول، تعداد فرزندان، نحوه زندگی فرزندان ازدواج اول، سن در زمان فوت همسر و طلاق و تعداد سالهایی که از فوت همسر و طلاق می گذرد با وضعیت تأهل زنان رابطه معنادار دارد و بر ازدواج زنان تأثیرگذار است. اما از میان عوامل فوق تنها نحوه زندگی فرزندان ازدواج اول با وضعیت تأهل مردان رابطه معنادار دارد. بر این اساس می توان گفت که عوامل فرهنگی از مهمترین عوامل موثر بر تبیین جنسیتی بودن ازدواج مجدد می باشند.

دوام زندگی اول زنان و مردان بی همسر بر اثر طلاق، نزدیک به ده سال از دوام زندگی اول زنان و مردان بی همسر بر اثر فوت، کمتر است و بطور کلی دوام زندگی اول زنان بیوه و مطلقه بیش از دوام زندگی اول مردان مشابه است. اما مردانی که ازدواج مجدد می کنند، دوام زندگی اولشان از دوام زندگی زنانی که اقدام به ازدواج مجدد می کنند بیشتر است.

بطور کلی، فرزندان ازدواج اول زنان، زندگی با مادر و فرزندان ازدواج اول مردان، زندگی با پدر را تجربه می کنند. اما زنان مطلقه ای شانس ازدواج مجدد داشته اند که فرزندی با خود به زندگی جدید نبرده اند. فرزندان اینگونه زنان، عمدتاً زندگی با پدر یا خانواده پدر و مادر

را تجربه می نمایند. این در حالی است که اکثر مردان مطلقه که ازدواج مجدد کرده اند، فرزندان ازدواج اول خود را به زندگی جدید وارد نموده اند. نتیجه اینکه زنان مطلقه بیشتر از مردان مشابه خود، راضی به ازدواج با فردی می شوند که فرزند دارد.

میانگین مدت سالهای گذشتن از تجربه فوت همسر برای زنان بیوه و مردان مشابه، ۶ تا ۱۰ سال می باشد. این میانگین برای زنان و مردانی که حادثه طلاق را تجربه نموده اند، یک تا ۵ سال است. زنان بیوه سالهای بیشتری را نسبت به زنان مطلقه برای ازدواج مجدد، انتظار می کشند. میانگین سن ازدواج مجدد برای مردان ۱۰ سال بالاتر از زنان است. سقف سن ازدواج برای زنان بیوه، ۴۰ سال و برای زنان مطلقه، ۴۵ سال است. اما برای مردان بیوه، بالای ۶۰ سالگی و برای مردان مطلقه، تا ۵۰ سالگی است.

مردان بیوه و زنان مطلقه برای ازدواج با افراد جوانتر از خود، شانس بیشتری نسبت به مردان مطلقه و زنان بیوه دارند.

بین تجرد بر اثر فوت و طلاق و نحوه ارزیابی تأثیر زندگی قبلی بر فعلی نیز رابطه معنادار وجود دارد. ۴۸ درصد افراد بی همسر بر اثر فوت و طلاق ارزیابی منفی از تأثیر زندگی قبلی بر زندگی فعلی خود دارند که می تواند یکی از عوامل موثر بر تجرد افراد فوق باشد.

بین اشتغال و تجرد نیز رابطه معنادار وجود دارد. ۳۵/۵ درصد از زنان بی همسر بر اثر فوت و طلاق، شاغل می باشند که این امر فارغ از میزان درآمد می تواند عاملی در جهت رویگردانی از ازدواج مجدد باشد.

تنهایی برای مردان و مشکلات مالی برای زنان شایع ترین مشکلات بعد از فوت و طلاق می باشد. مقایسه مردان و زنان نشان می دهد که مردان عمدتاً بخاطر

داشتن خانواده و زنان بجهت نیاز روحی و عاطفی و
رهایی از مشکلات اجتماعی اقدام به ازدواج مجدد می
کنند.

زنان و مردان بی همسر بر اثر فوت، عمدتاً بخاطر
فرزندان و زنان و مردان بی همسر بر اثر طلاق عمدتاً
بخاطر تجربه تلخ دوستان و آشنایان از ازدواج مجدد و
ترس از شکست مجدد از ازدواج و وصلت دوباره
احتراز می کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱۱. نظری، زهرا، بررسی و مقایسه ی ویژگی های رفتاری نوجوانان شاهد در خانواده های تک والدی و ازدواج مجدد در سطح شهرستان قروه، ۱۳۷۵.
۱۲. پیرنیا، حسن، تاریخ ایران باستان، تهران: انتشارات افراسیاب، ۱۳۷۸.
۱۳. کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
۱۴. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
۱۵. دورانت، ویل، تاریخ تمدن ج ۱، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
16. Hagin, E. Kenneth (2006) Marriage, Divorce and Remarriage, Faith Library Publications.
۱۷. صنیعی، پرینوش، سهم من، تهران: روزبهان، ۱۳۸۱.
۱۸. آل احمد، جلال، زن زیادی، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۷۶.
۱۹. گریدانوس، دونالد، مراقبت از نوجوانان، ترجمه دکتر پوریا صرامی فروشانی و دکتر بزرگمهر مطهری، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۳.
۲۰. سگالن، مارتین، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰.
۲۱. مرکز آمار ایران، سالنامه ی آماری کشور ۱۳۸۲، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳.
۲۲. توسلی، غلامعباس، نظریه های جامعه شناسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)

منابع

۱. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
۲. گود، ویلیام، خانواده و جامعه، ترجمه ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.
۳. ساروخانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۵.
۴. شیخی، محمدتقی، مقدمه ای بر مبانی جمعیت شناسی تهران: نشر آرام، ۱۳۶۸.
۵. شیخی، محمدتقی، تحلیل و کاربرد جمعیت شناسی، تهران: اشراقی، ۱۳۷۱.
۶. شریعتی، علی، زن در چشم و دل محمد (ص)، تهران: نور حکمت، ۱۳۷۴.
7. Barry, D. (2004) The Effects of Divorce and Remarriage on the Academic Achievement of High School Seniors, in Journal of Divorce and Remarriage, Vol.42, Issue ½, pp.159-178.
۸. رجیبی، ماهرخ، بررسی ازدواج مجدد زنان و مردان بعد از طلاق و فوت همسر در شهر شیراز: مرکز جمعیت شناسی دانشگاه شیراز.
۹. اژدری، مهدی، بررسی ناسازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان شاهدی که مادرانشان ازدواج مجدد نموده اند و مقایسه ی آنها با دانش آموزان شاهدی که مادرانشان ازدواج مجدد نموده اند در مقطع ابتدایی شهر مشهد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳.
۱۰. پاشا شریفی، حسن، بررسی اختلالات رفتاری در کودکان پیش دبستانی تک والدی و مقایسه ی آن با کودکانی که با هر دو والد زندگی می کنند، تهران: دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ۱۳۷۶.